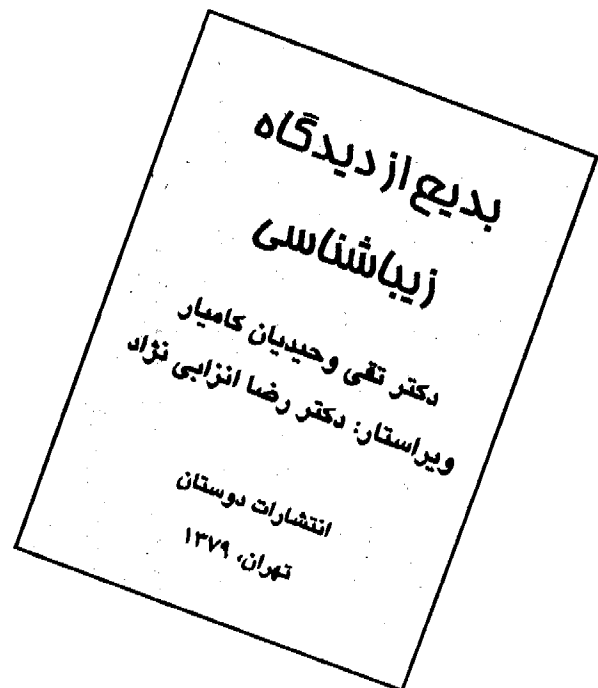


سخنی در باب کتاب بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی

غلامرضا عمرانی



دکتر تقی وحیدیان کامیار، ویراستار: دکتر رضا انزابی نژاد، چاپ اول، ۱۳۷۹

الحمد لمبدع البدایع
والشکر لمنشی الصنایع
ثم الصلوات والتحایا
اهدی لخالصة البرایا^۱

از زمانی که ابن معتر (در گذشته به سال ۲۹۶ هـ. ق) اولین گام بلند بلاغی را برداشت و «البدیع» را در شرح هفده صنعت ادبی نگاشت، تاکنون بسیاری بزرگانی که کوشیده اند سر زلف سخن را از لونی دیگر شانه زنند و مباحث طویل بلاغت را با وصلتی درازتر کنند تا آن جا که هفده را به دوست برسانند.^۲

اولین کوشش های نامدوّن اما پی گیر در باب کنکاش های جدی بلاغی، برخاسته از مناظراتی بود که در اوایل دولت عباسی بین دانشمندان و ادیبان در بیان «وجوه معاجز قرآن» روی داد. عباسیان که به مسائلی از این قبیل در جهت انحراف افکار عمومی و البته و صد البته در لباس قرآن پژوهی سخت دامن می زدند، دانشمندان را به ادامه این مناظرات تشویق و تحریض می کردند و اندک اندک منازعه فی مابین باعث وضع قواعدی در جهت تشخیص صحیح از سقیم و کلام دانی از عالی گردید و نقاط روشنی در کارنامه اباعبیده بن مثنی (در گذشته به سال ۲۱۱ هـ. ق) ثبت نمود؛ اما چنان که آمد- افتخار اولین تألیف منیف از آن عبدالله معتر گشت.^۳

برای بحث درباره هر کتابی از این دست و نتیجه گیری درست از آن، به ویژه درباره کتاب حاضر، (بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی) که ادعای سخنی تازه دارد و موضوع سخن ماست، ورود در این مباحث ضروری است:

- علت گسترش علم بلاغت؟
- علت تعدد کتاب های این علم؟
- علت تفاوت در آرا، اقوال، تقسیم بندی ها، دیدگاه ها و

۱. واعظ کاشفی، کمال الدین حسین، بدایع الانکار فی صنایع الاشعار، چاپ آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، مسکو، ۱۹۷۷.
۲. در باب عدد و رقم صنایع بدیعی ر. ک: فشارکی، محمد. بدیع، مقدمه. صنایع بدیعی در این کتاب به تقریب دوست آمده است، اما واعظ کاشفی رقم آن را از دوست و بیست هم گذرانده است.
۳. ر. ک: شادروان حسام العلما، آق اولی، دورالادب در فن معانی، بیان، بدیع، مقدمه.

تفاوت در نام گذاری ها؛

- حوزه علم بلاغت .

گفتمیم که اولین تألیف در این علم هفده صنعت را در بر گرفت و سه قرن پس تر «ابن ابی الاصبیح مصری، شمار صنایع ادبی را در *تحریر الصحیر* خود به نود رسانید ... بعدها صنایع ادبی به ۱۴۰ نوع بالغ گشت .^۴ اما همچنان که گفتیم واعظ کاشفی از عدد دویست و بیست نیز در گذشته است .^۵ در سال ها اخیر برف انبار صنایع به نقادی نویسندگان کتاب ها تقلیل یافت ، تا آن جا که استاد جلال الدین همایی از میان آن همه به آوردن سی صنعت^۶ و دکتر محمد فشارکی نیز به همان تعداد اکتفا کرده است^۷ و کتاب حاضر (بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی)^۸ حدود هفتاد آرایه را آورده است .

علت گسترش و رو به تزاید رفتن تعداد صنعت ها تاکنون معلول عوامل زیر بوده است :

۱ . اولین نویسندگان این کتاب ها صنایع بدیعی را از متون و منابع موجود و ترجیحاً از قرآن مجید استخراج ، دسته بندی ، تعریف و ثبت و ضبط کرده اند و می توان ادعا کرد که عمده ترین و طبیعی ترین صنایع بدیعی منحصر به همان ها بوده است که نویسندگان اولیه از قبیل ابن معزز ، قدامه بن جعفر ، ابوهلال عسکری و ... آورده اند . ضبط و ثبت آنها در کتب ، عده ای از شاعران و متشاعران را به هوس انداخته است تا با ایجاد تنوع در انواع موجود ، نام خود را نیز در ردیف سایر بزرگان جاودانه سازند . از این روست که گاهی می بینیم در تمام طول تاریخ این علم نویسندگان متعدد برای یک صنعت ، تنها یک بیت شعر مثال آورده اند و این بیت کتاب به کتاب نقل شده است و حتی این آخرین کتاب هم از ذکر آن یک بیت خالی نیست یا جز آن شاهد دیگری نمی شناسد .

۲ . وجود دوران های متعدد افول و رکود هنر در ایران و سایر کشورهای اسلامی ، موجب شده است تا برخی از بی مایگان به جای ابداع و خلاقیت در هنر شعر و نثر به تقلید و نظیره گویی بپردازند و آثار موجود را با کم و زیاد و پس و پیش کردن و گونه گون کردن وسعت دهند و بر آن نامی دیگر بگذارند . عجب آن است که کتب عدیده در این باب بی آن که نگاهی منتقدانه به موضوع داشته باشند آن یک دو بیت را که باید شاهدی بر سخافت و خفت عقل می بود ، به عنوان شاهدی بر هنر گوینده نقل کرده اند .

۳ . تنوع در نحوه ارائه و ثبت در کتاب نیز به تعدد و تنوع مباحث این علم کمک کرده است ؛ مثلاً برخی روش ابجدی و ابثی را برگزیده اند و عده ای نیز به روش موضوعی دست به دسته بندی مباحث گوناگون آن زده اند که صد البته روش اخیر با توجه به علمی بودن آن کارایی بیش تری داشته اما جست و جو و

یافتن مطلب مورد نظر در روش الفبایی سهل تر بوده است .

۴ . تنوع در نام گذاری نیز که خود معلول عواملی از قبیل پرهیز از تقلید یا نوآوری بوده یا آن که به زعم نویسندگان حوزه های موضوعی را دقیق تر ترسیم می کرده است ، عاملی برای گسترش این علم شده است ؛ تا آن جا که برخی کتاب ها نیز تمام نام های قدیم و جدید فنون و ترندها را آورده و ذیل هر یک توضیح یا ارجاع داده اند و از این روست که گاه وظیفه بر متعلم یا محقق سنگین تر از آن می شود که باید .

درباره تعدد کتاب هایی از این دست نیز باید بیش از این کنکاش کرد ، اما واقعیت این است که نشو و نمو و نمای این علم نیز از سایر جریان های علمی این سرزمین جدا نیست ؛ بدین معنا که در دوران های مشخص سیطره صاحبان سبک ، فکر و اندیشه - که همه قوانین و قواعد موجود را برهم می زنند تا که بی آنها دم زنند - کم تر نشانی از رونق بازار این علم توان یافت ؛ چون صاحبان اندیشه و قلم ، خود قاعده ساز و قاعده براندازند و تن به قواعد موجود نمی دهند ؛ اما همین که سیطره آنها بر جامعه ای پایان پذیرفت تا چندین قرن دیگر و تا ظهور صاحب نامی دیگر پهنه کشف و جست و جو برای واضعان قواعد و قوانین گسترده تر می شود و آنان یکه تازان میدان ادب و بلاغت می گردند . چنین دوران هایی همیشه با بحث های پوشالی ، بی منطق و تکراری همراه بوده است و اگر گهگاه صاحبان قلمی هم ظهور می کرده اند ، کار آنان جز استخراج قواعد از آثار آن بزرگان و تدوینشان - برای آن که مورد استفاده مقلدان قرار گیرد - چیز دیگری نبوده است و حاصل کار آنان نیز حداکثر تطبیق قواعد شناخته شده بر آثار هنری فعلی بوده است و به همین دلیل می بینیم غالباً از میان این خیل گردآورندگان صنایع هیچ کس سخنی نو نرانده است و نگاهی تازه نینداخته و درست همین دلیل موجب شده است تا باز به فاصله ای نه چنان دور ، دیگری کتابی دیگر بنویسد و به باور خود حرفی تازه به قلم آرد و اگر هم چنین بوده است ، تازگی مطلب آن قدر ناچیز بوده که به زحمت تدوین کتابی مجدد در این باب نیرزیده است .

یکی از معضلات دیگر این علم تفکیک یا عدم تفکیک و یا علت و انگیزه راستین و علمی تفکیک شاخه های آن از همدیگر است ؛ چنان که هم اکنون هم ، برای دانشجوی مبتدی تشخیص

۴ . فشارکی ، محمد . *دانشنامه جهان اسلام* ، ذیل مدخل بدیع (ایشان موضوع را از دائرةالمعارف اسلامی نقل کرده اند .)

۵ . واعظ کاشفی ، همان ، فهرست مطالب .

۶ . ر . ک : همایی ، جلال الدین ، *فنون بلاغت و صناعات ادبی* ، فهرست مندرجات .

۷ . ر . ک : فشارکی ، محمد . بدیع .

۸ . وحیدیان کامیار ، تقی . *بدیع از دیدگاه زیبایی شناسی* ، فهرست .



و ناقص، مثال‌های تکراری و کهنه و ...^{۱۲} و «آنچه در بدیع سستی آموزش را دشوار ساخته و آن را از کارایی انداخته آفت و آسیب‌هایی است چون بی‌روشی، نام‌گذاری‌های نارسا و نام‌های زمخت و تعریف‌های پوشیده و پنهان، مثال‌های ناشیوا، ناهماهنگی مثال‌ها و تعریف‌ها و بی‌پیوندی آرایه‌های به هم پیوسته ...»^{۱۳}

زیرا تعاریف و طرح مطالب در کتب سستی در بسیاری از مواضع، جامع و مانع و دقیق و علمی نیستند و در مطالعات عالی‌تر و مراحل پیچیده‌تر مخصوصاً آن‌جا که پای استدلال و تشخیص در میان می‌آید، ایجاد اشکال می‌کنند و از حل مسائل در می‌مانند.^{۱۴}

و به راستی آفت بزرگ این کتاب‌ها تعریف‌های پوشیده و پنهان است؛ گویی آن‌چنان به نگارش درآمده‌اند که کسی نباید بفهمد. شاید از آن‌رو که این علم می‌بایست به گروهی اندک اختصاص یابد و درست همین معنا راه را برای دیگران باز کرده است تا دست به تألیف دیگر بزنند و به ادعای خود تعریف‌های پوشیده و پنهان و ناسازواری مثال‌ها و تعریف‌ها را چاره‌کنند و غالباً پس از شروع سخن همان راه رفته را دوباره پیموده‌اند.

نویسنده کتاب حاضر، دکتر تقی وحیدیان کامیار نیز مبنای تألیف خود را بر همین بنیان می‌نهد که «در فرهنگ ما هرگاه عالم بلاغی مرتکب خطایی در شناخت زیبایی شعری شده، علمای دیگر اعم از قدما و معاصران در آنها به ژرف‌اندیشی نپرداخته، حتی در درستی و نادرستی آنها شک روا نداشته‌اند و خطاهای آنها را تکرار کرده‌اند ... به هر حال در کتب بدیع از گذشته تا حال رسم بر این است که فقط تعریفی سطحی و ظاهری از هر صنعت بیاورند، همراه با یک یا چند مثال که معمولاً تکراری است و دیگر هیچ ... پس آنچه در کتاب‌های بدیع از گذشته تا امروز آمده نه تنها نقش و ارزش زیبایی‌آفرینی ترفندهای بدیعی را نشان نمی‌دهد، بلکه تعریف‌ها و مطالب همه سطحی و بسا نارسا و نادرست است. پداست که علمای بلاغت در اشعار شاعران، ابیات زیبایی دیده‌اند، اما به راز زیبایی آنها پی نبرده بلکه شاید در اندیشه این کار هم نبوده‌اند؛ لذا در تعریف‌ها فقط به ظاهر پرداخته‌اند.^{۱۵} باید دید خود ایشان در این زمینه کدام راه را پیموده و به چه نتایجی رسیده‌اند.

روشن است که هر علمی باید در بدو کلام، جغرافیای گسترده

تفاوت حوزه‌های - دست کم سه‌گانه - در این علم، اگر نگوییم ناممکن، بسیار دشوار است و غالباً از توضیحات این کتاب‌ها نیز چیزی بر نمی‌آید که راه‌گشای مبتدی باشد. این مشکل تقریباً در همه کتاب‌های مربوط به این علم خودنمایی می‌کند.

آنچه مسلم است این معتز تمامی مباحث را ذیل علم «بدیع» آورده و اشکال اساسی بقیه علمای فن در این نکته است که پس از این معتز جملگی با تکیه بر تقسیم‌بندی وی حد و مرزهایی ناپایدار برای انواع آن قایل شده‌اند و سخن دیگری را شرح کرده و احتمالات را با قطعیات در آمیخته و به جای اظهار نظر صریح از جانب خود، شقوق تعاریف دیگران را شاهد اثبات ادعای نامصرح خویش گرفته‌اند؛ آن‌چنان که گویی در صورت ابراز نظری مستقل گمان خبط و خطا بر سخن آنان می‌رفته و متهم به جعل و جهل می‌شده‌اند. نگاهی گذرا به عنوان «بدیع، علم» در *دانشنامه جهان اسلام*، جزوه هشتم (تهران، ۱۳۷۵) - که خود نیز سرشار از تشتت است - گوشه‌ای از جدال‌های لفظی و پراکندگی آرا در این زمینه را نشان می‌دهد؛ گاه بین سه شق آن تفاوت‌هایی اساسی و عمیق قایل شده‌اند و گاه

علم معانی و بیان را در زمره صناعت بلاغت دانسته‌اند و علم بدیع را از اجزای مکمل آن، و برخی دیگر علم بدیع را از صناعت فصاحت گرفته‌اند و معانی و بیان را از صناعت بلاغت ... اما هیچ‌یک از آنان علوم ادبی را به طور علمی از یکدیگر جدا نکرده‌اند و این کار بر دست عبدالقاهر جرجانی به انجام رسیده است؛ هر چند که در کار او نیز تداخل فنون ادبی دیده می‌شود.^۹ و هلم جرا.

نام‌گذاری این علم نیز داستانی دراز دارد؛ از جمله نامی که این معتز برگزیده «بدیع» است و از آن سگاکسی «محسنات». تفتازانی آن را «علم شناخت وجوه تحسین کلام» نامیده و شمس قیس اصطلاح «بدایع کلامی» را به کار برده و رادویانی «اجناس بلاغت» را. رشید و طواط نام «بدایع شعر» را به کار گرفته و شمس قیس در جایی دیگر «محاسن شعر» و «صناعت مستحسن» را و کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی «صنایع شعری» را و اخیراً استاد همایی «صناعات ادبی» را. در کتب مصوب آموزش و پرورش «آرایه» آمده است و دکتر کزازی «آرایه بدیعی» آورده است. صاحب *دورالادب* «محسنات معنویه» و «محسنات لفظیه» را برمی‌گزیند. دکتر وحیدیان اصطلاح «ترفند» را در این مورد ترجیح می‌دهد.^{۱۰} گروهی نیز معادل‌یابی فارسی برخی از اصطلاحات را دوای همه دردها دانسته و بر آن پای فشرده‌اند.^{۱۱}

همگان در یک نکته متفق‌القولند و آن این که کتاب‌های گذشتگان پر از ابهام و اشکال است؛ «عیوبی از قبیل تشتت در اسماء و اصطلاحات، نداشتن نظم و نسقی علمی، تعاریف سطحی

۹. فشارکی، محمد. همان.

۱۰. وحیدیان کامیار، همان.

۱۱. از جمله ر. ک: کزازی، میرجلال‌الدین، *زیباشناسی سخن پارسی*، ۱-۲.

۱۲. ر. ک: شمیسا، سیروس، *نگاهی تازه به بدیع*.

۱۳. ر. ک: راستگو، سید محمد، *هنر سخن‌آرایی، فن بدیع*.

۱۴. شمیسا، سیروس، *نگاهی تازه به بدیع*.

۱۵. وحیدیان کامیار، همان، پیش‌گفتار.

پدیده‌های آن را به دیده معتاد ننگرد و زاویه‌ای دیگر به روی مسائل بگشاید. پیش‌تر هم ایشان این توانمندی را در دسته‌بندی نو نشان داده است؛ مشکلی که از تدریس سنتی عروض و قافیۀ فارسی گشود و سیطرۀ ظاهراً ابدی و جانشین ناپذیر شمس قیس و اخلاف و اسلاف وی را پایان داد؛ کاری که در بدو امر ناشدنی می‌نمود اما به همت و نگاه تازه این پژوهنده نوآور سامان یافت و آن همه قاعده‌های ریز و درشت و متعدد قافیۀ سنتی شعر در دو قاعده بسیار ساده گنجید و تحسین همگان را برانگیخت و دری تازه به دنیای تدریس این علم گشود و سنگ‌های گران از پیش پای معلم و متعلم برگرفت.

در کتاب حاضر نیز هنر «طور دیگر دیدن» به کمک هنر دیگرش «دسته‌بندی پدیده‌ها از زاویه‌ای دیگر» آمده و به وی امکان داده است تا حلقه‌های واسطه مفقوده و از چشم نویسندگان سنتی افتاده میان آرایه‌ها یا ترفندهای بدیعی را بیابد و هفتاد فن مندرج در کتاب را - که زبده آرایه‌هاست و باقی نیز زیرگونه آن‌ها است و از آنها می‌تراود و می‌زاید - ذیل شش عامل زیبایی‌آفرینی تنظیم کند. در این روش دیگر نه دسته‌بندی ابجدی و ابثی به کار می‌آید - که از اصل مردود است - و نه گونه‌های دیگر دسته‌بندی، که غالباً من‌عندی و بی‌پایه است. این روش دسته‌بندی‌های دیگر را عالم‌آعامداً کنار نهاده است و روشی دیگر آورده و می‌گوید: «چون شعر آفرینش زیبایی با زبان است یا به عبارت دیگر زیبایی است که زبان را به درجه شعر تعالی می‌بخشد، پس اصل و جوهر شعر زیبایی است و هنر همه ترفندهای شاعرانه آن است که زبان را زیبایی می‌بخشد. پس همه بحث‌ها و تقسیم‌بندی ترفندها می‌باید بر پایه زیبایی باشد.»^{۱۹} از این رو است که علم بدیع را حول این شش محور قرار می‌دهد و به بررسی می‌پردازد:

تکرار، تناسب، غیرمنتظره بودن، بزرگ‌نمایی، چندبعدی بودن، استدلال^{۲۰}

علاوه بر این شش فصل، دو فصل دیگر به کتاب می‌افزاید: «فصل هفتم درباره ترفندهایی است که جنبه دیداری دارند و فصل هشتم درباره ترفندهایی است که زیبایی اصلی آنها مرهون عوامل دیگر است.»^{۲۱}

آنچه در این میان اهمیتی خاص دارد، این است که نویسنده با آن که خود در همه رشته‌های دانش دیدگاهی علمی دارد و می‌کوشد امور را از این دریچه بنگرد، در قضیه اخیر، دخالت منطوق و علم را ناکافی و حتی

۱۶. وحیدیان کامیار، همان، ۱۳.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۹. وحیدیان کامیار، همان، پیش‌گفتار.

۲۰. نمونه این دسته‌بندی در این علم تاکنون سابقه نداشته است.

۲۱. وحیدیان کامیار، همان، پیش‌گفتار.

خود را روشن کند و نحوه ورود به آن را ترسیم نماید تا خوانندگان کم و کیف و چون آن آشنا گردند. کتاب حاضر در پیش‌گفتار با مثال‌هایی روشن و ملموس خواننده را به مطلب راهنمایی می‌کند و دیدگاه‌های متفاوت، حتی مختلف و گوناگون را در زمینه این علم توضیح می‌دهد. نقد نظرگاه‌های نویسندگان قدیم و جدید و بررسی اقوال آنها کار مثبت دیگری است که انجام می‌دهد و آن‌گاه به کوتاهی مرز سه حوزه بیان، بدیع و معانی را روشن می‌سازد و سپس به شرح دیدگاه خویش می‌پردازد و می‌نویسد:

علمای بلاغت بدیع را آرایش کلام می‌دانند. به عبارت دیگر معتقدند که زیبایی ترفندهای علم بیان و علم معانی ذاتی است و زیبایی علم بدیع، عرضی و آرایشی. پس کلام باید زیبایی ذاتی داشته باشد و بعد اگر از آرایه‌های بدیعی هم استفاده بشود زیباتر می‌گردد؛ همچون زیبارویی که اگر آرایش هم نکند زیباست، اما آرایش او را زیباتر می‌سازد.^{۱۶}

و در دنباله مطلب در نقد این نظر می‌افزاید:

«سخن علمای بلاغت درست نمی‌نماید؛ زیرا بعضی از فوت و فن‌های بدیعی مانند غلو و ایهام زیبایی ذاتی دارند و ... از طرفی بعضی از ترفندهای علم بدیع مانند غلو، تمثیل و غیره را در شمار صور خیال یعنی شگردهای علم بیان می‌توان آورد.»^{۱۷} قدم بلند بعدی نویسنده گشودن جنبه‌ای دیگر یا ایجاد دیدگاهی تازه در شناخت این علم و نگرش بدان از دریچه زیبایی‌شناسی است؛ کاری که به تصریح وی تاکنون کسی انجام نداده است. نویسنده از این علم تقسیم‌بندی نوینی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «برخلاف نظر علمای بلاغت، ترفندهای بدیعی، همه جنبه آرایشی ندارند و ارزش آنها یکسان نیست. آنها را از دیدگاه زیبایی‌شناسی می‌توان به چند طبقه تقسیم کرد:»

۱. آنها که زیبایی ذاتی دارند مانند غلو، تضاد و

۲. آنها که زیبایی آرایشی دارند و خود بر دو گونه هستند ...

۳. آنها که بدون یاری گرفتن از ترفندها و آرایه‌ها و دیگر شگردهای زیبایی‌آفرین زیبا نیستند، اما به کمک شگردهای زیبایی‌آفرین، زیبایی آنها مضاعف می‌گردد.»

۴. بعضی از ترفندها هستند که گرچه زیبایی دارند، اما زیبایی آنها مشخص نمی‌گردد، مگر به تصادف.^{۱۸}

هنر «طور دیگر دیدن» و «دید اعتیادی را به یک سو نهادن» نه در مدارس ما آموخته می‌شود و نه آموزش دانشگاهی ما بدان عنایت دارد. از این رو در زندگی ما چندان جلوه‌ای نکرده است و اگر گاه برخی به سائقه ذوق و سلیقه شخصی چنین هنری از خویش می‌نمایانند ما را شگفت زده می‌سازند تا در کار آنان به اعجاب بنگریم، اجابتی تحسین برانگیز. نویسنده این کتاب از آن دسته انسان‌هاست که در هر نوشته‌اش کوشیده است دنیا و



غیر موجه می‌داند و می‌گوید دست کم برای بررسی شعر و زیبایی‌های آن باید ملاک دیگری جست و معتقد است که چون ترفندهای ادبی زیبایی‌آفرین هستند، باید بر اساس اصول زیبایی‌شناسی بررسی و تعریف شوند، نه بر پایه منطق خشک و بی‌روح ... و می‌افزاید:

اصولاً همه علمای بلاغت به ترفندهای بدیعی - و حتی بیانی - از دید علمی نگرسته‌اند، نه زیبایی‌شناسی ... زیرا اساس شعر و هر هنر دیگر بر زیبایی است. کار این ترفندها این است که زبان را زیبا می‌سازند؛ لذا طبقه‌بندی آنها تنها در صورتی ارزش دارد که بر پایه اصول زیباشناختی استوار باشد. ۲۲

دیگر این خصالت که نویسنده مرعوب نام‌آوران پیشین عرصه‌های علم و دانش قرار نمی‌گیرد و می‌کوشد خود مستقلاً دست به نتیجه‌گیری و استنتاج بزند و اگر لازم باشد گاه یک‌تنه همه یافته‌های پیشینیان را مورد تردید قرار می‌دهد و خود موجد سخنی نو می‌شود. ۲۳

*

با همه «دست‌مریزادی» که به نویسنده کتاب حاضر می‌زیید، جای ایراد و انتقاد برای خوانندگان آگاه همچنان باقی می‌ماند تا توقع برآورده نشده خود را بارها و بارها گوشزد کنند که بیش از این چشم می‌داشته‌اند.

بدیهی است که هر نویسنده‌ای اثر خود را به چشم فرزند خود می‌نگرد و شیفته‌وار، انتساب هر نادرستی را بر وی غیرممکن می‌شمارد، اما امروزه در کار تألیف و چاپ کتاب تنها نویسنده نیست که در معرض نقد قرار می‌گیرد؛ بخش بزرگی از مسؤلیت هر کتاب و نشریه بر عهده ویراستار است و ویراستار هر چه موجه‌تر، مسؤلیت وی سنگین‌تر.

دکتر رضا انزابی نژاد یکی از صاحب‌نظران دانشگاهی است که شأن علمی خود را در مقام استادی دانشکده ادبیات دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد و توانمندی خود را در نشریه وزین همان دانشکده به اثبات رسانیده است. انتظار این بود که این فاضل بزرگوار در مقام ویراستاری کتاب حاضر اجازه ندهد نقایصی از این دست در کتاب باقی بماند:

الف. اشتباهات املایی و تایپی فراوانی که گویا به قصد زیب و زینت و دفع چشم‌بد در اکثر صفحات کتاب آمده است. نمونه را:

- ص ۴۰ دو بیت از غزل اوحدی را بنگریم. (بدون شرح)

مردم نشسته و من در بلای دل

دل دردمند شد ز که جویم دواى دل

از من نشان طلبیدند بیدلان

من نیز بیدلم چه نوازم نوای دل

- دو جمله از ص ۴۵:

هرگز زیبایی دار کلام اصلی را نداشت.

... به زیبایی سجع‌های فوق نیست.

- ص ۸۵ در اصل چنین بوده است: فرو شد به ماهی بن ماهی.

- ص ۹۵ برانوش است و ما را نیش

- ص ۹۶ پادشاه مملکت را بیان پسران تقسیم کرد.

- ص ۹۹ حجاج مردنی ستمگر بود

- ص ۱۰۱ بخشوید سرچشمه‌های قدیم

- ص ۱۰۴ استدارك

- ص ۱۲۴ دوش دور از رویت، ای جان جانم از غم تاب دانست

ابر چشمم بر رخ از سودای دل سیلاب داشت

ب. نقص تکرار، غالباً موضوعات محوری سخن نویسنده

به کرات تکرار شده‌اند که اساساً زینده نیست؛ به عنوان نمونه:

- «وحدت در عین کثرت» یا «کثرت در عین وحدت» مضمونی

است که بارها و بارها در سراسر کتاب مکرر شده است.

- مضمون «... در صورتی که طبیعی باشد، زیباست و گرنه

تکلف است و نازیبا ...» بیش از حد لزوم در سراسر کتاب دیده

می‌شود. این مضمون مهم می‌توانست در مقدمه کتاب فقط

یک بار بیاید و تکلیف خواننده با آن روشن گردد.

- «زبان خبر و زبان عاطفی» مضمون مکرر بعدی است که بیش از

حوصله کتاب آمده است. اگر این یکی نیز در ابتدای کتاب تعریف

می‌شد و در حد معقول و مقبولی می‌آمد، پسندیده‌تر می‌بود.

پ: جای بعضی از نقدها در حاشیه کتاب است، نه در متن و

نه حتی در پیش‌گفتار؛ به ویژه آن که آن بخش از نقدها بر کار

دیگران را به راحتی بتوان از متن حذف کرد، بی آن که خللی به

متن اصلی وارد آید؛ مثلاً صفحات ۷۹ و ۸۰ کتاب را بنگریم:

«در یکی از کتاب‌های بدیع که در سال‌های اخیر نوشته شده ...»

«یکی از معاصران معتقد است که ...»

ت: کاربرد نشانه‌های نگارش چه بسا نامنظم، ناموجه و

بی‌مورد است؛ مثلاً چرا این دو جمله با چنین نشانه‌هایی آمده است؟

۱. زیبایی‌های جناس تام را نام ببرید؟

۲. از این تکرارها، کدام‌ها طبیعی است و کدام‌ها موسیقایی:

۳. ... بگوئید کدام وزن شادتر است؟

*

این کتاب چاپ دیگری می‌طلبید؛ منتفع، بازبینی شده،

پالوده از اشتباهات و نیز افزودن تمرین‌ها و پرسش‌های کارشناسی

شده موجه - که اکنون جای آنها در کتاب سخت خالی است - تا

دانشجو به جای حفظ نمونه‌ها و برگرداندن مجدد آنها به استاد،

شیوه نقد و اظهار نظر را بیاموزد و این چرخه هم چنان تکرار نشود.

○

۲۲. و حیدیان کامیار، همان.

۲۳. نگاهی به اظهار نظر نویسنده در ص ۱۶ و ۱۷ این معنار بهتر می‌رساند.